یادداشت

۵۰ سال بعد؛ قرار بود چه باشیم؟

محمدمقصود

نزدیک به پنج دهه از انقلاب ۱۳۵۷ گذشته است. ۵۰ سال برای یک ملت زمان کمی نیست. زمان مناسبی است برای آنکه نه با عینک ستایش به گذشته نگاه کنیم و نه با نفی همه‌چیز و یک پرسش ساده و در عین حال دشوار را مطرح کنیم: قرار بود چه باشیم و امروز کجا ایستاده‌ایم؟

انقلاب با مجموعه‌ای از آرمان‌ها و وعده‌ها شکل گرفت: استقلال، جمهوری، آزادی، رسانه آزاد، نفی سانسور و شکنجه. در کنار اینها، وعده مهم دیگری نیز وجود داشت: اینکه هم دین مردم آباد شود و هم دنیای آنان. اکنون پس از نزدیک به ۵۰ سال، حق جامعه است که درباره میزان تحقق این وعده‌ها پرسش کند. این پرسش البته به معنای نادیده‌گرفتن دستاوردهای جمهوری اسلامی نیست. در این سال‌ها آموزش گسترش یافته، دانشگاه‌ها توسعه پیدا کرده‌اند، خدمات بهداشتی و زیرساختی در بسیاری از مناطق کشور افزایش یافته و ایران در برخی حوزه‌های علمی و فنی پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. اما توسعه را نمی‌توان فقط با تعداد دانشگاه‌ها، جاده‌ها و ساختمان‌ها سنجید. معیار نهایی توسعه، کیفیت زندگی انسان است.

اگر قرار بود «دین و دنیا» آباد شود، باید پرسید آیا امروز مردم احساس آرامش، امید، اخلاق، عدالت و امنیت بیشتری دارند؟ آیا رابطه جامعه با دین، بیشتر بر پایه ایمان و انتخاب است یا الزام؟ دین اگر قرار است در جامعه ماندگار باشد، بیش از آنکه به حضور رسمی نیاز داشته باشد، به اخلاق، اعتماد و رفتار عادلانه نیازمند است. باور را نمی‌توان با اجبار پایدار کرد. از سوی دیگر، امنیت نیز با ترس تفاوت دارد. هیچ جامعه‌ای بدون امنیت نمی‌تواند پیشرفت کند، اما امنیت پایدار فقط با قدرت و کنترل حاصل نمی‌شود. اعتماد عمومی، اقتصاد باثبات، قانون عادلانه و احساس مشارکت در سرنوشت کشور نیز بخشی از امنیت‌اند. ترس شاید بتواند جامعه را برای مدتی منسجم کند؛ اما توسعه با اعتماد ساخته می‌شود. شاید یکی از مهم‌ترین مسائل امروز ایران، مسئله «انسان» باشد. توسعه پیش از آنکه به منابع طبیعی و سرمایه مالی وابسته باشد، به سرمایه انسانی وابسته است. کشوری توسعه می‌یابد که انسان‌هایی پرسشگر، خلاق، مسئول، قانون‌مدار و توانمند تربیت کند.

این فرایند از مدرسه و حتی پیش از آن، از دوران کودکی آغاز می‌شود. کودکی که فقط اطاعت را می‌آموزد با کودکی که پرسیدن، گفت‌وگو، همکاری و حل مسئله را تجربه می‌کند، در بزرگسالی الزاما یکسان نخواهد بود. نظم با اطاعت کور متفاوت است. جامعه‌ای که می‌خواهد توسعه پیدا کند، به شهروندانی نیاز دارد که هم قانون را رعایت و هم بتوانند درباره قانون، عملکرد مسئولان و آینده کشور سؤال کنند.

در همین چارچوب، مهاجرت گسترده نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده نیز باید جدی گرفته شود. مهاجرت به خودی خود نه جرم است و نه الزاما نشانه شکست؛ انسان حق انتخاب محل زندگی خود را دارد. اما وقتی بخشی از بهترین نیروهای کشور، آینده خود را بیرون از مرزها جست‌وجو می‌کنند، باید پرسید چه چیزی آنها را به رفتن ترغیب می‌کند و چه چیزی می‌تواند آنها را به ماندن امیدوار کند.

پاسخ فقط اقتصاد نیست. آزادی، امنیت روانی، شایسته‌سالاری، امکان پیشرفت و امید به آینده نیز در تصمیم انسان برای ماندن یا رفتن مؤثرند.

ایران برای توسعه بیش از هر چیز به «شایسته‌سالاری» نیاز دارد. مسئولیت‌های مهم باید به کسانی سپرده شود که دانش، تجربه و توانایی حل مسئله دارند. وفاداری سیاسی نمی‌تواند جای تخصص را بگیرد. وفاداری به کشور باید بر وفاداری به جناح مقدم باشد.

عدالت نیز فقط توزیع یارانه و منابع نیست. عدالت یعنی قانون برای قدرتمند و ضعیف یکسان باشد؛ یعنی فرصت تحصیل، پیشرفت و زندگی شایسته فقط در اختیار گروهی خاص نباشد و هیچ فرد یا نهادی خود را فراتر از قانون نبیند. در این میان، زنان نیز نیمی از سرمایه انسانی کشورند. کشوری که می‌خواهد توسعه پیدا کند، نمی‌تواند از ظرفیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی نیمی از جامعه خود به اندازه کافی استفاده نکند. در سیاست خارجی نیز باید میان «استقلال» و «انزوا» تفاوت گذاشت. «نه شرقی، نه غربی» اگر به معنای نفی وابستگی باشد، همچنان می‌تواند یک اصل قابل دفاع باشد؛ اما استقلال الزاما به معنای قطع ارتباط با جهان نیست. ایران مستقل، ایرانی منزوی نیست؛ ایرانی است که قدرت انتخاب دارد. سیاست خارجی باید در نهایت به امنیت، توسعه و منافع ملی کمک کند.

سال‌ها از «ژاپن اسلامی» به عنوان تصویری از یک ایران پیشرفته، منظم و برخوردار سخن گفته شد. شاید امروز پرسش درست این نباشد که چرا ژاپن نشدیم، بلکه باید پرسید چرا میان ظرفیت‌های ایران و نتایج به‌دست‌آمده چنین فاصله‌ای ایجاد شده است؟ منابع ایران کم نیست. مسئله مهم‌تر، کیفیت استفاده از منابع، کیفیت تصمیم‌گیری، ثبات سیاست‌ها، حکمرانی، شایسته‌سالاری و اعتماد عمومی است. ۵۰ سال گذشته را نمی‌توان دوباره نوشت اما می‌توان از آن آموخت. نه درست است که همه گذشته را شکست بدانیم و نه منصفانه است که همه مشکلات امروز را انکار کنیم. باید هم دستاوردها را دید و هم هزینه‌ها را؛ هم آنچه ساخته شده و هم آنچه می‌توانست بهتر ساخته شود.

شاید امروز بیش از هر زمان دیگری به یک «قرارداد تازه میان جامعه و حکومت» نیاز داریم؛ قراردادی برپایه قانون، اعتماد، آزادی مسئولانه، عدالت، شایسته‌سالاری، اقتصاد قابل پیش‌بینی و احترام به کرامت انسان. جامعه‌ای که به مردم خود اعتماد کند، کمتر نیازمند اجبار خواهد بود؛ حکومتی که نقد را بشنود، پیش از آنکه بحران شکل بگیرد از آن آگاه می‌شود و کشوری که سرمایه انسانی خود را حفظ کند، آینده‌اش را حفظ کرده است. ۵۰ سال بعد، پرسش دیگر فقط این نیست که «قرار بود چه باشیم؟» پرسش مهم‌تر این است: از امروز چه می‌خواهیم باشیم؟

موتورسواری زنان و وزارت کشور

ادامه از صفحه اول

تجربه محدودیت پوشش بانوان و اقدامات نیروی انتظامی در سیاست‌گذاری و اجرای هم‌زمان سیاست‌های مربوط به پوشش زنان و دختران (گشت ارشاد، حجاب‌بان، بازداشت دختران جوان و نگهداری آنان و...) منجر به فاجعه‌ای شد که همه از آن آگاهیم.

۵- اکنون نیز موضوع موتورسواری بانوان در حال تبدیل‌شدن به یک معضل امنیتی است. از یک سو بدنه جامعه راهی را می‌رود که برای رفع نیازهای ضروری خود لازم می‌داند (حسب شنیده‌ها در دو سال گذشته نزدیک به ۶۰۰ هزار موتورسیکلت توسط بانوان خریداری شده) و از سوی دیگر دولت آیین‌نامه صدور گواهینامه موتورسواری بانوان را تصویب کرده تا با خواست اکثریت جامعه همراه شود. تاکنون نیز اداره تطبیق قوانین مجلس آن را مغایر قانون ندانسته است. اما گفته می‌شود فرماندهی نیروی انتظامی از ابلاغ آن برای اجرا خودداری کرده است. توصیه من به وزیر کشور این است که از اختیارات خود استفاده کند و دستور اجرای آیین‌نامه را بدهد قبل از آنکه خدای ناکرده شاهد اتفاق دیگری باشیم.

تحلیل انتخابات آلمان در گفت‌وگوی «شرق» با علی بیگدلی، کارشناس مسائل اروپا

جان دوباره جریان راست‌گرایی در اروپا

مهسا مژدهی

قدرت‌گیری راست افراطی در آلمان فقط یک اتفاق سیاسی داخلی نیست؛ این تحول نشانه‌ای از تغییرات عمیق‌تری است که سال‌هاست در ساختار اجتماعی و سیاسی اروپا رخ داده است. بخشی از شهروندان آلمانی با تجاربی چون نگرانی درباره مهاجرت و تغییر هویت فرهنگی، بحران اقتصادی، تضعیف احزاب سنتی و اختلافات درون اتحادیه اروپا، به سمت راست افراطی رو آورده‌اند. حالا این پرسش جدی‌تر از همیشه مطرح است که آیا اروپا در آستانه یک چرخش سیاسی بزرگ قرار گرفته است؟ علی بیگدلی، کارشناس مسائل اروپا، در گفت‌وگو با «شرق» این موضوع را بررسی کرده است.

آنچه با پیروزی غیرمنتظره اما فعلا محدود راست افراطی در آلمان رخ داد، در کجا ریشه دارد؟

در صدمین سالگرد پایان جنگ جهانی اول، آقای مکرون در پاریس مراسمی برگزار کرد و دونالد ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود به عنوان یکی از میهمانان این مراسم حضور داشت. مکرون در سخنرانی خود، بدون آنکه مستقیم نام کسانی را که در پی تقویت راست‌گرایی در اروپا هستند بر زبان بیاورد، هشدار داد اگر این جریان‌ها تقویت شوند، اروپا در آینده با خطر بزرگی مواجه خواهد شد. او نسبت به بازگشت ملی‌گرایی و نیروهایی که می‌توانند بار دیگر اروپا را به مسیر بحران و درگیری سوق دهند، هشدار داد. ترامپ نیز پس از این سخنان، جلسه را ترک کرد. بنابراین، قدرت‌گرفتن راست افراطی در اروپا مسئله‌ای بسیار جدی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در کشورهای مختلف اروپایی، این جریان در حال تقویت است و به نظر می‌رسد در انتخابات آینده فرانسه، پس از پایان دوره مکرون، خانم مارین لوپن شانس قابل توجهی برای پیروزی داشته باشد و طرفداران زیادی پیدا کرده است.

به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی این جریان‌ها، جلوگیری از ورود گسترده مهاجران باشد. از نگاه آنها، موج مهاجرت در سال‌های گذشته بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع اروپایی را تا حدی دستخوش تغییر کرده است. در نتیجه، راست افراطی تلاش می‌کند نارضایتی موجود را به یک گفتمان سیاسی تبدیل کند؛ گفتمانی که در آن محدودکردن مهاجرت، تقویت هویت ملی و بازگرداندن کنترل دولت‌ها بر مرزها و سیاست‌های داخلی، به محور اصلی شعارهای انتخاباتی تبدیل شده است.

در آلمان، به‌ویژه پس از اتفاق اخیر و پیروزی حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» (AfD)، زنگ خطر بزرگی برای سراسر اروپا به صدا درآمده است. در کشورهای اروپایی دیگر، مانند هلند و به‌ویژه فرانسه نیز شاهد رشد این جریان هستیم. در کشورهای اروپای شرقی نیز این گرایش با شدت بیشتری در حال گسترش است. بنابراین می‌توان گفت این روند در آینده برای اروپا بسیار خطرناک خواهد بود. در آلمان، پس از جنگ جهانی دوم و سقوط رژیم نازی، سابقه نداشته است راست افراطی با چنین شدت و حدتی به پیروزی برسد و از حمایت قابل توجه مردم برخوردار شود. این مسئله زنگ خطر بزرگی برای امنیت اروپا و به‌ویژه امنیت جمعی این قاره است.

گسترش پیروزی‌های راست افراطی می‌تواند در آینده به وضعیتی منجر شود که یکی از قدرتمندترین و بانفوذترین کشورهای اروپایی در اختیار این جریان قرار گیرد. برای نمونه، در فرانسه، جریان راست افراطی سابقه طولانی دارد. در نخستین مبارزات انتخاباتی، این جریان حدود پنج درصد آرا را به دست آورد؛ در مرحله بعد، در انتخابات مقابل آقای مکرون، حدود ۱۵ درصد آرا را کسب کرد و در آخرین انتخابات، میزان آرای آن به حدود ۳۵ درصد رسید. این روند نشان‌دهنده رشد اندیشه راست‌گرایی و افراط‌گرایی در جامعه فرانسه است.

فرانسه به عنوان یکی از الگوهای مهم اروپایی، در آستانه تجربه یک تحول سیاسی جدی قرار دارد.

آلمان با کمبود نیروی انسانی مواجه است و حتی بسیاری از نیروهای جوان و دارای تجربه فنی از کشورهای دیگر، از جمله کشور ما، با آغوش باز در این کشور پذیرفته می‌شوند. به همین دلیل، مهاجران گسترده‌ای به آلمان رفته‌اند.

با این حال، آلمانی‌ها ویژگی فرهنگی خاصی دارند و نوعی بیگانه‌ستیزی در فرهنگ آنها وجود دارد. بسیاری از آنها به‌راحتی نمی‌توانند با بیگانگان ارتباط برقرار کنند. این مسئله اکنون به یک موضوع بسیار حساس اجتماعی تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین ادعاهای جریان راست افراطی نیز این است که باید با مهاجران برخورد و آنها را از آلمان اخراج کرد.

به هر صورت، به نظر می‌رسد دوره احزاب سنتی سوسیال‌دموکرات و دموکرات‌مسیحی که همواره از نیروهای اصلی اداره‌کننده آلمان بوده‌اند، رو به پایان است. وضعیت اقتصادی آلمان هم متأسفانه بسیار نامساعد شده است.

اگر بخواهیم موضوع را گسترده‌تر بررسی کنیم، باید پرسید علت پیروزی‌های متعدد راست افراطی در اروپا چیست؟ آیا این مسئله فقط به مهاجران و وضعیت اقتصادی مربوط می‌شود یا از نظر فرهنگی و آموزشی نیز تحولاتی رخ داده است؟ چرا ناگهان در کشورهایی مانند فرانسه، با آن سابقه طولانی در جریان‌های چپ، شاهد چنین تحولاتی هستیم؟

در فرانسه نه چپ افراطی و نه راست میانه توانسته‌اند موفقیت چشمگیری در اداره کشور به دست آورند؛ بنابراین من پیش‌بینی می‌کنم در انتخابات آینده، در سال ۲۰۲۸، خانم مارین لوپن شانس بسیار زیادی برای پیروزی داشته باشد.

اگر راست افراطی انتخابات‌ها به پیروزی برسد، یکی از دلایل اصلی آن، علاوه بر مسائل اقتصادی، به مسائل فرهنگی بازمی‌گردد. این جریان‌ها معتقدند بازکردن گسترده دروازه‌های اروپا به روی خارجی‌ها، به‌ویژه مهاجران کشورهای شرقی، هویت آلمانی و هویت اروپایی را تضعیف کرده است.

از سوی دیگر، مسئله زبان نیز اهمیت زیادی دارد. بسیاری از مهاجران به‌راحتی با زبان و فرهنگ آلمانی آشنا نمی‌شوند و همین مسئله در جامعه آلمان به یک مشکل تبدیل شده است. ندانستن زبان به این اختلافات فرهنگی دامن زده است. اروپایی‌ها اصولا نسبت به فرهنگ خود حساسیت زیادی دارند. اروپا مانند آمریکا نیست که از کشورهای مختلف مهاجران وارد و در فرهنگ عمومی آمریکا ادغام شوند. اروپا دارای اصول و چارچوب‌های فرهنگی خاصی است که بسیاری از مردم این قاره حاضر نیستند با حضور بیگانگان این اصول و چارچوب‌ها دستخوش تغییر شود.

آلمانی‌ها ویژگی فرهنگی خاصی دارند و نوعی بیگانه‌ستیزی در فرهنگ آنها وجود دارد. بسیاری از آنها به‌راحتی نمی‌توانند با بیگانگان ارتباط برقرار کنند. این مسئله اکنون به یک موضوع بسیار حساس اجتماعی تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین ادعاهای جریان راست افراطی نیز این است که باید با مهاجران برخورد و آنها را از آلمان اخراج کرد

بنابراین، حساسیت موجود بیش از آنکه صرفا اقتصادی باشد، جنبه فرهنگی دارد. نگرانی اصلی بسیاری از اروپایی‌ها این است که یک گسل فرهنگی و تغییراتی در شیرازه هویتی جوامع آنها به وجود بیاید.

از این رو، می‌توان گفت با توجه به موج مهاجرت‌هایی که به آلمان، انگلستان و فرانسه، یعنی سه کشور بزرگ اروپایی شده، بخشی از هویت و حتی پرستیژ این کشورها دچار اختلال شده است.

بخش قابل توجهی از جامعه نیز ناراضی است. به همین دلیل می‌گویم آلمان و فرانسه در آستانه پیروزی راست افراطی قرار دارند و این مسئله خطر بزرگی است؛ چراکه می‌تواند برای کشورهای دیگر اروپایی، به‌ویژه کشورهای اروپای شرقی، سرمشق قرار گیرد و پیامدهای خطرناکی داشته باشد. علاوه بر این، اروپا هم‌زمان با مشکلات اقتصادی و تهدیدات روسیه درباره جنگ اوکراین مواجه است. نوعی ازهم‌گسیختگی نیز در اتحادیه اروپا به وجود آمده و یکسان‌سازی و هماهنگی لازم در این اتحادیه وجود ندارد. حتی ممکن است در آینده نزدیک، اتحادیه اروپا منحل شود و از هم بپاشد.

در ادامه این بحث درباره اتحادیه اروپا، آیا می‌توان گفت راست افراطی گفتمان اتحادیه اروپا را به‌طور کلی و گفتمان سیاسی کشورهای عضو را به‌طور جزئی تغییر داده است؟

این جریان سیاسی که پیش از این بر اتحادیه اروپا حاکم بود، اساسا با مفهوم اتحادیه و یکپارچگی موافق نیست. حتی ممکن است خانم مارین لوپن در آینده فرانسه را از ناتو نیز خارج کند؛ همان‌طور که از اتحادیه اروپا قطعا خارج خواهد شد.

گرایش‌های خانم لوپن، به عنوان یکی از سردمداران راست افراطی در اروپا، به روسیه نیز قابل توجه است. در دوره آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، پیش از آنکه آقای مکرون رئیس‌جمهور شود، خانم لوپن سفری به مسکو داشت و دیداری صمیمانه با ولادیمیر پوتین انجام داد. حتی پوتین به او وعده داده بود از بانک‌های روسیه به او وام داده شود. در آن زمان هنوز جنگ اوکراین آغاز نشده بود.

این مسئله نشان می‌دهد جریان راست افراطی اروپا تمایل بیشتری به روسیه دارد. همین مسئله درباره «آلترناتیو برای آلمان» نیز تا حدودی صدق می‌کند و این جریان نیز گرایش‌هایی به سمت روسیه و پوتین دارد. اگرچه ترامپ نیز در زمره جریان‌های راست‌گرا قرار می‌گیرد، ملاحظات خاص خود را دارد. با این حال، جریان‌هایی که در اروپا به عنوان راست افراطی شناخته می‌شوند، لزوما تمایل ندارند حتی روابط بسیار نزدیکی با آمریکا داشته باشند. همان‌طور که گفتم، این جریان‌ها ضد اتحادیه اروپا هستند و ممکن است هم از ناتو خارج شوند و هم از اتحادیه اروپا.

ما شاهد رشد راست افراطی در فرانسه و سراسر اروپا هستیم. آیا به نظر شما عادی‌سازی این جریان پس از فجایعی که نزدیک به یک قرن پیش در اروپا به بار آورد، چگونه اتفاق افتاد؟

مسئله فرهنگ برای اروپایی‌ها بسیار مهم است. آنها اهمیت زیادی برای حفظ فرهنگ سنتی خود قائل هستند. اگرچه اروپا کاملا به سمت مدرنیسم حرکت کرده، همچنان گرایش‌های فرهنگی و ملی خود را حفظ کرده است.

من خودم در آنجا تحصیل کرده‌ام و شاهد این مسئله بوده‌ام. بسیاری از اروپایی‌ها نسبت به فرهنگ آمریکایی موضع مثبتی ندارند و نوعی دلبستگی به گذشته‌های افتخارآمیز فرهنگی خود دارند. فرانسوی‌ها نیز نسبت به تاریخ و گذشته فرهنگی خود دلبستگی زیادی دارند. بنابراین، آنها نمی‌خواهند این تسلسل فرهنگی که در طول تاریخ شکل گرفته، با ورود نیروهای بیگانه دچار گسست و پارگی شود.

آینده راست افراطی در اروپا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

پیش‌بینی من این است که راست افراطی پس از یک دوره حاکمیت، سرانجام از صحنه سیاست خارج خواهد شد؛ همان‌طور که پدر مارین لوپن، که دبیرکل جبهه ملی بود، از صحنه سیاسی کنار رفت و ناکام ماند و سپس دخترش وارد میدان شد.

آیا حضور ترامپ به احزاب راست افراطی جسارت داد که تصور کنند آنها نیز می‌توانند به پیروزی برسند یا همان‌طور که گفتیم، تفاوت فرهنگی میان اروپا و آمریکا به اندازه‌ای زیاد است که ریشه‌های گرایش به راست افراطی در این دو منطقه متفاوت باشد؟

قطعا ترامپ از این جریان‌ها حمایت دارد، اما نوع و چارچوب این حمایت با شرایط اروپا متفاوت است. اروپا در یک چارچوب حقوقی، قانونی و فرهنگی زندگی می‌کند و تلاش دارد این چارچوب را حفظ کند و اجازه ندهد ساختار فرهنگی آن دچار فروپاشی شود.

با ورود بیگانگان، این چارچوب تا حدودی متزلزل شده است. در آمریکا وضعیت متفاوت است. آمریکا اساسا کشوری مهاجرپذیر و متشکل از مهاجران است، اما چنین خصوصیتی در اروپا به این شکل وجود نداشته است. به همین دلیل، اروپایی‌ها دلبستگی و تعلق بیشتری نسبت به گذشته فرهنگی و تاریخی خود دارند و احساس می‌کنند این گذشته پرافتخار فرهنگی در حال زایل‌شدن است.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر باینکه خانم فرحناز پرهیزکار یعقوبی مالک سه دانگ از ششدانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۵۱۹۶۷۶ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۵۱۲۹۶۴ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۷ در طبقه ۴ و واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک خاوران تهران استان تهران به مساحت ۶۷.۰۷ متر مربع واقع در سمت غربی طبقه چهارم

مشخصات مالکیت :مالکیت فرحناز پرهیزکار یعقوبی فرزند علی شماره شناسنامه ۱۰۰۵ تاریخ تولد ۱۳۵۰.۰۳.۰۵ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۷۴۲۶۶۷۸ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۸۵۱۰ تاریخ ۱۳۹۹.۰۲.۲۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۸۹ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت تعویضی بشماره چاپی ۳۹۱۹۴۰ سری ج سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۸۲۹۴ ثبت گردیده است. مالک با ارائه دو برگ استشهادیه که با مضاء شهود رسیده است و ذیل یکی از آنها طی ذیل گواهی شماره ۱۷۵۴۱ مورخ ۱۴۰۵.۰۴.۲ دفتر خانه ۶۷۲ تهران گواهی امضاء گردید مدعی است که اصل سند مالکیت به علت جابجایی مفقود گردیده است و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و پس از انقضاء مدت مذکور و عدم هر گونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

م الف ۱۳۸۷۱ اداره ثبت اسناد و املاک خاوران (تهران)

آگهی مزایده اتومبیل کلاسه ۱۴۰۴۰۴۰۰۱۰۱۵۰۰۱۹۶۶

به موجب پرونده اجرائی کلاسه یک دستگاه اتومبیل سواری کار سوزوکی DOHCAT۲۰۴ گرندویتارا مدل ۱۳۹۷ پلاک انتظامی ۷۶ ل ۱۲۵ ایران ۵۵ رنگ سفید روغنی ۴ سلیندر بنزینی دو محور ۴ چرخ شماره موتور J۲۴B۱۳۳۵۱۴۶ و شماره شاسی NAAS۳۹S۳۰JK۹۰۱۳۳۴ که در لواسان کمربندی خیابان خیبر متوقف می باشد طبق نظر کارشناس رسمی مورخه ۱۴۰۵.۱.۲۳ در لحظه بازدید مشاهده شد :خودرو گارد جلو و عقب دارد -هلالی گلگیر عقب راست خوردگی و رنگ شدگی دارد -درب جلو راست خوردگی و رنگ شدگی دارد- بقیه قسمتهای بدنه سالم است -موتور روشن وضعیت استهلاک در حد مدل و مناسب- آج لاستیکها ۵۰ درصد- تو دوزی وصندلیها و تزئینات سالم است کیلومتر کارکرد ۱۸۴۷۸۷۱ که با عنایت به موارد فوق با توجه به وضعیت ظاهری و فنی و مدل و میزان کارکرد ارزش ریالی آن به مبلغ ۲۳.۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال ارزیابی گردید از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴.۱۰.۱ در اداره ثبت اسناد و املاک لواسان واقع در لواسان بلوار امام خمینی بعد از آتش نشانی از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ ۲۳.۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شد لازم به ذکر است شرکت در جلسه مزایده منوط به پرداخت ۱۰ درصد ۴۸ ساعت اداری قبل از شروع مزایده از طریق PCPOS و ۷۲ ساعت اداری قبل از شروع مزایده از طریق سیستم بانکی از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و تحت شناسه واریز اعلامی و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. لذا خریدار و یا خریداران می بایست تا قبل از شروع وقت مزایده اصل فیش واریزی مبلغ ودیعه ده درصد بنام خود را به همراه درخواست کتبی به واحد اجرا تسلیم و ثبت نمایند. ضمنا برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میگردد و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر وحق مزایده نقدا وصول خواهد شد ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده تجدید می گردد. این آگهی پس از تایید نهائی فرایند مزایده و ارسال آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و طبق تبصره ماده ۱۲۲ آیین نامه اجرا مفاد اسنادرسمی به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیر الانتشار محلی است. م الف ۱۳۸۷۷ اداره ثبت اسناد و املاک لواسانات (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ثبتی ۲۸ فرعی از ۹۰ اصلی بخش ۱۱ تهران

نظر به اینکه آقای احمد گلشن به اعتبار وکالتنامه شماره ۲۹۷۴۶ مورخ ۱۴۰۵.۰۳.۰۲ دفتر خانه ۵۳۸ تهران و تفویض وکالت به شماره ۱۸۴۲۵ مورخ ۱۴۰۵.۰۳.۰۵ دفتر خانه ۱۰۷۹ تهران به وکالت از طرف اشکان اعتماد امامی و ایرج اعتماد امامی برابر برگ تقاضا به شماره وارده ۱۴۰۵۲۱۷۰۱۰۷۹۰۱۹۴۵۷ مورخ ۱۴۰۵.۰۴.۲۸ و با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی ثبت شده ذیل ترتیب شماره های ۱۲۳۰۴ مورخ ۱۴۰۵.۰۴.۲۳ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۵۳۸ تهران مدعی شده که سند مالکیت مقدار ۲.۵ دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۲۸ فرعی از ۹۰ اصلی مفروز و مجزا شده از ۹۰ - اصلی واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک تهرانپارس استان تهران به مساحت ۴۸۹۰.۲۲ متر مربع ذیل ثبت شماره ۲۷۴۴ صفحه ۸۶ دفتر ۱۰ املاک بنام ارسطو اعتماد امامی ثبت و تحت چاپی شماره ۱۷۲۰۰۲ صادر شده است. ضمناً ارسطو اعتماد امامی فوت شده و به اعتبار تصویر دادنامه انحصار وراثت شماره آمار ۹۰۶ مورخ ۷۸.۰۷.۲۲ شعبه ۴۰۱ دادگاه عمومی تهران و تصویر گواهی مالیات بر ارث شماره ۲۰.۹۳۱۲ مورخ ۸۴.۰۷.۰۳ اداره کل امور مالیاتی شمال تهران وراث عبارتند از: ایرج اعتماد امامی (پدر متوفی) و بهجت الزمان آل طه (مادر متوفی)همچنین بهجت الزمان آل طه فوت شده و به اعتبار تصویر دادنامه انحصار وراثت شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۱۱۱۶۲۰۳۹ مورخ۱۴۰۴/۶/۲۵ دادرس دادگاه شعبه ۲ دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره ۱ دادگاه های صلح تهران و تصویر گواهی مالیات بر ارث شماره ۴۸۳۷ مورخ ۱۴۰۵.۰۴.۱۰ اداره کل امور مالیاتی مرکز - واحد مالیاتی شماره ۸۵۱ وراث وی : ایرج اعتماد امامی و اشکان اعتماد امامی (پسران) احصاء شده اند و بعلت جابجایی و اثاث کشی مفقود شده، فلذا درخواست صدور المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده اند. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور می باشد و یا ادعای وجود اصل سند مالکیت نزد خود را دارد، از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند پس از رویت و ملاحظه به ارائه کننده آن اعاده خواهد شد. ضمناً به اعتراضات بدون سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود. النهایه در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی، المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد.م الف ۱۳۸۸۰ اداره ثبت اسناد و املاک تهرانپارس (تهران)